

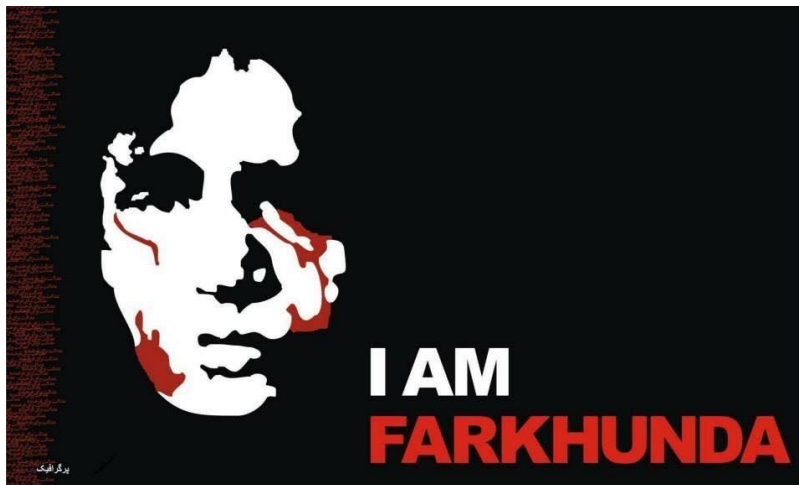


۲۰۱۸/۰۳/۱۹



م. عارف عباسی

فرخنده! تو قهرمانی، تو مقدس ترین شهیدی و تو زنده جاویدانی.



من خود آنجا نبودم، من شاهد و ناظر وحشیانه ترین صحنه اعمال موجوداتی که انسانش خوانده اند نبودم، ولی تخیل، تصور، و مجسم ساختن آن سانحه، بدون هیچ نوع تظاهر و مبالغه به سرحدی برایم درد آور و شکنجه آور و عذاب دهنده است که قلم از بیان آن عاجز می ماند، نه تنها از چشمانم اشک می ریزد بلکه از دلم خون می چکد.

وقتی طالبان زنی را به ارتکاب عمل منافی شریعت در استدیوم کابل به گوله بستند احساسم را تکان داد و به این ستم پیشگی و جنایت شان نفرین فرستادم ولی نمی دانستم که نمایش این صحنه انگیزه های سیاسی دارد و در رسانه های جهانی با تبلیغات خاصی به نشر رسید تا باعث توجیه کارنامه های بعدی گردد و این عمل در فهرست اعمال زن ستیزی و پامال نمودن حق زن توسط طالبان در کنار دیگر خطا کاری های شان درج سوانح شان گردید.

البته ما هم وقایع را در همان مقطع زمانی مورد قضاوت قرار دادیم و نه بعد از حکمروایی تنظیمی ها و خلافت برهان الدین و سلطه استبدادی، تبعیض طلب جمعیت اسلامی و شاخه شورای نظارش هرگز سؤال نشد که زن کدام آزادی و حقی داشت که طالب آن را سلب کرد. آیا زن از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ با گسترش فساد اخلاقی و طغیان

هوس های پلید قوماندانان تنظیمی واقعاً زن حتی پسران از کدام حق انسانی و مدنی برخوردار بودند، و کی را جرأت مکتب رفتن و بیرون برآمدن بود. بی ناموسی که در عصر تنظیمی ها صورت گرفت در تاریخ و در فرهنگ نجیب و شریف این کشور سابقه نداشت.

نشود که خدای ناخواسته مرا متهم به هوا خواهی طالب نمایی، ولی حقایق روشن و مسلم است و کتمان نمی گردد، بلی طالب درب تعلیم و تدریس را به روی زن بست و در حصار های شیشه سیاه محبوسش کرد و در حضور شوهر و فرزندش با چوب بادامی به بند پایش زد و صد ها تحدید و تهدید دیگری. ولی

■ آیا طالب به ناموس کس دست درازی کرد (به جز یک صحنه تصنعی درماتیک توسط یک دختر راپورتر افغان در شمال)،

■ آیا طالب سینه برید و وضع حمل زن را به نمایش گذاشت.

اما در پشت پرده های ضخیم و سیاه توطئه چینی های متهاجمین که می خواستند از گرگان وحشی فرشتگان سازند و در فرمانروایی جانیان و خونخواران رسم آدمیت و عدالت و حقوق بشر و حق زن و حق طفل را با ایجاد سازمان های دروغین و عوام فریبانه تمثیل نمایند.

ولی سانه قتل وحشیانه دختر معصوم و پاکدامن و شریفی با خون پاک و با مرگ عذاب کشش که گهی زیر ارابه موتر شد و گهی بالای تیل ریخت به آتش کشیده شد در پرتاب سنگ سنگ کلان و شدت ضربه مسابقه بود، نقاب را از رخ جامعه عقب رفته تاریخ بین عقده مند، گم راه شست و شوی مغزی وارثین تنظیمی ها و تعلیم یافتگان مدارس روشهای ضد آدمیت و بکار بستن رسم کشتن و سنگ سار و گردن بریدن و تبلیغات گم راه کننده و افراطی ملا ها، خطبا و امامان مزدور، جیره خوار اجنبی در تحریف اساسات و اصول روشن دین اسلام و روا داشتن کشتن پیروان ادیان دیگر و تبلیغ نادرست جهاد فرخنده با مرگ خود نقاب از رخ این گروه برداشت و حقیقت این جامعه را بر ملا ساخت که تا هنوز بر آن دیو و دد حاکم اند و جاهلان همه پیرو.

فرخنده با خون پاک خود به ریش دنیای متمدن خندید که چگونه سرنوشت این ملت را به دست جانیان، قاتل و سارق دشمن خدا و رسول و بندگان و امتش سپردند.

این است ثمره ده سال دموکراسی، حقوق بشر و حقوق مدنی و مبارزه با فساد.

ولی قدرت های متنفذ سیاسی در افغانستان به پیمانهای که کشتن زن چادری دار را در استدیوم کابل توسط طالبان مورد نمایش و تبلیغ قرار دادند اما از وقوع این جنایت بزرگ به خاطر گل روی حکومت دست نشانده شان سرسری تیر شدند.

در این فاجعه غم درد ناک و جانکاه انگیزه های سیاسی رقابت سران حکومت وحدت ملی شامل بود چه یکی از سرکردگان و محرکین این سانحه به نام «بغلانی» (نام اولش به خاطر نیست) از هواخواهان سرسپرده داکتر عبدالله عبدالله بود، چون داکتر عبدالله همراه با داکتر اشرف غنی به واشنگتن دعوت نشده بود.

مقامات امنیتی و قضائی در اثر مداخله بزرگان و متنفذین قضیه را پله پوت کرده و مرتکبین این جنایت به سزای اعمال شان نرسیدند.

ولی برای من و تو ای هموطن با درد و با احساس من و ملیون ها کابلی با وجدان و مسلمان واقعی فرخنده نه مرده و هرگز نمی میرد و این وحشت و جنایت برای ابد به حیث ننگ اسلامیت و افغانیت باقی خواهد ماند.

روح شاد باد ای دختر ملیون ها داغ دیده کشور.

سرشک اندوه مجالم نمی دهد که بیشتر بنویسم دختر عزیزم.

پایان

